

مسئله کشف حجاب

برگرفته از نشریه الکترونیکی زنان
موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
<http://www.iichs.org>

مسئله کشف حجاب و یا به عبارت دیگر حجاب‌برداری در ایران، موضوعی است که با حضور افکار متأثر از فرهنگ اروپایی در ایران شکل گرفت و با ارتباط بیشتر میان ایرانیان و اروپاییان، نمود ظاهری یافت. بدین مناسبت تاریخ این تفکر و بروز آن به دوران قاجاریه برمی‌گردد. ولی به دلیل حضور و نفوذ افکار مذهبی و علمای مذهبی در تمامی لایه‌های جامعه از مردم عادی تا درباریان، مجال خودنمایی بیشتری نیافت ولی به تدریج با رشد افکار اروپایی‌گری و تبلیغ لزوم هم‌رنگی با ایشان برای پیشرفت و توسعه کشور، طرفداران و معتقدانی برای خود پیدا کرد. رضا پهلوی به عنوان منادی یکسان‌سازی جامعه ایران و همسان‌سازی با اشکال اروپایی قدم در راه اجرای این طرح گذاشت در این باره وی چنین اظهارنظر نموده و تکلیف کرده است: «... ما باید صورتاً و سنتاً اروپایی بشویم و باید در قدم اول کلاهها تبدیل به شاپو بشود و نیز باید شروع به رفع حجاب زنها نمود...» و برای صورت عملی بخشیدن به «باید» ها راهی را در پیش گرفت. در قدم اول وی دستور به حجاب‌برداری از زنان مأموران حکومتی داد (البته با ذکر عدم اجبار و به کار نبردن زور) ولی با تهدید اخراج و جریمه مأموران دولتی در صورت عدم رعایت آن.

سند ۱ : سواد تلگراف وزیر مالیه ۲۳ دی ۱۳۱۴

.... در برداشتن چادر باید همه قسم مساعدت نموده و نسبت به اعضای دوائر دولتی مراقبت نمائید از دعوت‌هایی که از آنها می‌شود حتماً با خانم‌های خود حاضر شده.... هرگاه یکی از مستخدمین مالیه بدون خانم و یا خانم با چادر باشد، فوراً به موجب این حکم آن شخص را منتظر خدمت کرده...

این مسیر و جریان ۶ ساله که از ۱۳۱۴ آغاز و تا رفتن رضاشاه از ایران ادامه می‌یابد، مطابق با اسناد و خاطرات شفاهی از آن دوران با سختی‌ها و درگیری‌ها، تبعیدها و ضرب و جرح‌ها و جریمه و اخاذی‌های بسیار که بر مردم تحمیل شده بود، همراه است.

سند ۲ ، سندی است مورخ ۱۳۲۰/۷/۲۳ شماره ۵۳۱۰

مجلس شورای ملی رونوشت به زنهای یزد

بعدالعنوان به عرض می‌رسانیم در این موقع که اراده شاهنشاه بر پایه قانون مشروطیت استوار، زبان و قلم آزاد، شما نمایندگان ملت می‌توانید برای بیچارگان و ستم‌دیدگان دادرسی فرمائید. متأسفانه آنچه در رادیوها شنیده و روزنامه‌ها مطالعه می‌شود، هیچ اسمی از ظلم و ستم‌هایی که چندین سال است به ما بیچارگان شده، نیست که به واسطه یک روسری یا چادر نماز در محله‌ها، حتی از خانه به خانه همسایه طوری در فشار پاسبان و مأمورین شهربانی واقع بوده و هنوز هم هستیم که خدا شاهد است از فحاشی و کتک زدن و لگد زدن هیچ مضایقه نکرده و نمی‌کنند و اگر تصدیق حکما، آزاد بود از آمار معلوم می‌شد که تا به حال چقدر زن حامله یا مریضه به واسطه تظلمات و صدمات که از طرف پاسبانها به آنها رسیده، جان سپردند و چقدر از ترس و حرس فلج شدند و چقدر مال ما را به اسم روسری یا

چادر نماز به غارت بردند و چه پولهایی از ما به هر اسمی و رسمی گرفته شده، خدا می‌داند اگر یک نفر از ماها با روسری یا چادر نماز به دست یک پاسبان می‌افتاد مثل اسرای شام با ماها رفتار می‌کردند. بهترین رفتار آنها با ماها همان چکمه‌ها لگد بر دل و پهلوی ما بود و اگر به پول گرفتن قانع نمی‌شدند یا پولی نداشتیم به آنها بدهیم ما را به شهربانی و کمیسر می‌بردند. اذیت ما بیشتر و مخارج ما زیادت. لذا استدعای عاجزانه داریم اولاً انتقام ما ستم‌دیدگان را از این جابران بکشید و بعد هم آزادی حجاب به ما بدهید. کما اینکه در ممالک اسلامی حجاب معمول است. به علاوه در انگلستان و هندوستان که آنقدر ادیان مختلف هست مخصوصاً مسلمانان دارای حجاب هستند. لذا از نمایندگان محترم مسلمان کلیه ملت ایران استدعا داریم استرحاماً حال دیگر است، دست ظلم و تعدی و شکنجه از سر ما زنهای مسلمان ایران کوتاه و ماها را آزاد فرمایید. در خاتمه با تقدیم احترامات امضای جمعی از زنهای یزد.

عنوان : بیگم آقا، مادر کریم خان زند، از زنان دلاور دوران خود و از الهام‌بخشان کریم‌خان در مبارزاتی بود که به حکومت او بر ایران انجامید. او در حمله افغانها در ۱۲۶۶ هـ. ق به سرکردگی آزادخان افغان به قلعه کریم‌خان که به اسارت او و تنی چند از جنگاوران انجامید، نه تنها خود و دیگران را از چنگ افغانها نجات داد؛ بلکه با حمله به آنان، غنیمت بسیاری را نیز به چنگ آورد. او در بیشتر مبارزات با پسرش همکاری داشت و از زنان پر جرئت دوران خود به شمار می‌رود.

معرفی کتاب

کانون بانوان. مریم فتحی. چاپ اول ۱۳۸۳. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

کتاب **کانون بانوان** با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت زنان در ایران در دو مقدمه و یک مدخل، در دو بخش و فهرست منابع و مآخذ در ۲۷۸ صفحه تنظیم یافته است. موضوع اصلی کتاب، بررسی کانون بانوان ایران است؛ به عنوان اولین انجمن صنفی زنان که به شکل دستوری و از طرف دولت تدوین و حمایت می‌شد.

در بخش نخست به بررسی تحولات جهان در ارتباط با نقش زنان و سپس به بازکاوی نگرش دین باستانی ایران نسبت به زن پرداخته و دیدگاه و اسلام را راجع به جایگاه زن در خانواده و جامعه توضیح می‌دهد و مقایسه‌ای دارد بین این دیدگاه فرایندی که در مغرب زمین در ارتباط با نقش زنان به وقوع می‌پیوندد. سپس موقعیت ایران را در رویارویی با جهان غرب و تفکر آنها توضیح داده و تغییراتی را که جامعه در این برخورد و در تمامی ابعاد آن دچار می‌شود (و جامعه زنان نیز بدین قرار) نقد می‌کند.

کانون بانوان در سال ۱۳۱۴ هـ. ش و مقارن با دستورالعمل حجاب برداری به اشاره رضا پهلوی شکل گرفته بود،* در بخش دوم کتاب درباره اعضا، تشکیلات و فعالیت‌ها و آثاری که از خود به جا گذاشت، مؤلف گزارش‌هایی را ارائه می‌دهد.

* به نقل از بدرالملوک بامداد در کتاب **زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید**. ۱۳۴۷. تهران. ابن سینا "در اردیبهشت ۱۳۱۴ هـ. ش به اشاره اعلیحضرت رضاشاه کبیر و با دعوت وزیر معارف وقت (علی‌اصغر حکمت) عده‌ای از

زنان فرهنگی، انتخاب و به محل دارالمعلمت و کوچه ظهیرالاسلام خیابان شاه‌آباد دعوت شدند. به آنها گفته شد که مأموریت دارند تا جمعیتی تشکیل بدهند و اساسنامه آن را به نظر وزیر معارف برسانند و با حمایت دولت، پیشقدم نهضت آزادی زنان ایران باشند. این جمعیت در جلسات بعد نام کانون بانوان را برای خود اختیار کرد.

آسیه آل احمد

پس از کشف حجاب در ایران، مشکلاتی در مورد پوشش دیگر ملیتها بروز کرد که به سبک زنان ایرانی از چادر مشکی و روبند استفاده می‌کردند. بیشتر این موارد شامل زنان افغانی می‌شد که برای زیارت به مشهد وارد می‌شدند و به علت حساسیت در این منطقه از کشور، سرهنگ نوایی رییس شهربانی خراسان در نامه خود به حکومت خراسان متذکر شده بود که ممکن است "زنان ایرانی نیز از این قضیه سوء استفاده کنند". رئیس الوزرا، محمود جم، در پاسخ به نحوه برخورد با زنان افغان به حکومت خراسان اعلام کرد این افراد باید از پوشش‌های ملی خود استفاده کنند والا مجوز آنان برای ورود به ایران باطل خواهد شد. در ضمن طبق ابلاغیه ای به وزارت امور خارجه برای سفارتخانه‌های انگلستان و افغانستان دستورات لازمه فرستاده شد تا اتباع خود را از جریان آگاه کنند. دولت به شهربانی تاکید کرد که با رعایت نکردن موارد فوق طبق قانون با آنان برخورد شود.

سند شماره یک مکتوب محرمانه سرهنگ نوایی رییس شهربانی خراسان به والی خراسان در خصوص برخورد با زنان افغان است :

(۱)

ایالت خراسان

اداره ایالت خراسان

سواد مراسله

نمره ۳۴۵۲

مورخه ۱۵/۴/۱۶

اداره شهربانی شرق

محرمانه - والی ایالت خراسان - عطف به مرقومه، نمره ۵۵۷۴ و نمره ۵۷۲۴ / ۱۵/۴/۱۶ متضمن سواد راپورت ژنرال قنسول دولت شاهنشاهی در هرات معروض می‌دارد - بطوریکه ژنرال قنسول مزبور تشریح نموده چادر ملی بانوان افغان همان چادرهای سفید روبند سرخود میباشد چادر مشکی و پیچه مختص خانمهای ایرانی بوده که آنها اقتباس

نموده اند - چون از عبور و مرور بانوان افغاني با چادر سپاه ممکن است خانمهاي ايراني سوء استفاده نمايند. لذا مامورين ناچارند که بازجويي و تحقيقات نمايند بنا بر اين عقیده دارد هر آينه اجازه فرمايند از خانمهاي که با چادر سپاه خارج ميشوند ممانعت و بانوان افغاني را محدود نمايند که با چادر ملي خود اياب و ذهاب نمايند - رئيس شهرياني ناحيه شرق - سرهنگ نوائي

سند شماره دو مکتوب رياست وزرا محمود جم به اداره کل شهرياني خراسان و دستور برخورد با زنان افغان :

(۲)

شير و خورشيد

رياست وزراء

نمره عمومي ۲۴۷

محرمانه

اداره کل شهرياني

ايالت خراسان بر طبق راپورت ژنرال قونسولگري دولت شاهنشاهي در هرات اطلاع مي دهد که چادر زنهي افغانستان سفيد و روبند سرخود بوده و برخلاف در مشهد کليه آنها بعنوان لباس ملي خود با چادر سپاه و همان سبک سابق بانوان ايراني در خيابانها و معابر ديده مي شو ند بايالت خراسان دستور داده شد که چون پوشيدن چادر در ايران ممنوع است بزنهاي افغاني و يا اتباع مسلم ساير ملل همان لباس ملي خود را پوشيده و از استعمال چادر ايراني خودداري نمايد و الا شهرياني مشهد مجبور از جلوگيري خواهد بود که [ناخوانا] است در اين زمينه دستور لازم بشهرياني مشهد صادر و از نتيجه رياست وزرا را مستحضر دارند.

سند شماره سه دستور دولت به وزارت امور خارجه براي ابلاغ ممنوعيت استفاده از چادر به سفارتخانه هاي انگليس و افغانستان:

(۲)

شيرو خورشيد

رياست وزراء

نمره عمومي ۲۲۸

تاریخ پاکنویس ۱۵/۴/۲۳

محرمانه

وزارت امور خارجه

طبق راپرت ایالت خراسان زنهای افغانی و اتباع مسلم انگلیس چادرهای قدیمی منسوخ را در معابر بر سر می کنند از طرف ایالت به جنرال قونسولگریهای انگلیس و افغان در ضمن یادداشت اطلاع داده شده است که استعمال چادر ایرانی را به اتباع خود قدغن نمایند چون در صورت تخلف شهربانی مجبور به تعقیب متخلف است برای اینکه سوء تفاهمی حاصل نشود توسط سفارتخانه های انگلیس و افغان دستور لازم در این باب بمامورین خود صادر نمایند والا مامورین شهربانی بوظیفه خود عمل خواهند نمود.

رئیس الوزرا

سند شماره چهار نامه وزیر خارجه خطاب به رئیس الوزراء مبنی بر حجاب زنان هندی:

(۴)

اداره سوم سیاسی

نمره ۱۸۳۸/۱۷۱۱

شیروخورشید

وزارت امور خارجه

۱۵/۴/۳۰

محرمانه است

ریاست وزراء

مرقومه مورخه ۱۵/۴/۲۳ نمره ۲۲۸ راجع باستعمال چادر از طرف زنهای افغانی و اتباع مسلم انگلیس زیب وصول داد در باب استعمال چادر از طرف زنهای هندی با آقای ترات نایب اول سفارت انگلیس مذاکره شد مشارالیه توضیحا استفسار نمود که آیا در مورد استعمال چادرهای مخصوصی هم که زنهای هندی بر سر میکنند نظری هست یا خیر لهذا متمنی است نظر مبارک را نسبت باین قسمت مرقوم فرمایند.

راجع به زنهای افغانی هم به سفارت کبرای افغانستان مذاکره خواهد شد و نتیجه بعدا بعرض خواهد رسید .

از طرف وزیر امور خارجه

امضاء

[در حاشیه]

جواب داده شود

هیچ گونه نظری نسبت به لباس اتباع خارجه نداریم به هر نحویکه میل دارند میتوانند ملبس باشند فقط استعمال البسه سابق ایرانی ممنوع است.

نمره ۲۶۳ دفتر محرمانه

۱۵/۵/۱

سند شماره پنج دستور دولت برای برخورد با زنان افغان در مشهد:

(۵)

شیروخورشید

ریاست وزراء

نمره خصوصی ۲۵۵

تاریخ پاکنویس ۱۵/۴/۳۱

اداره کل شهربانی

تعقیب نمره ۲۴۷ راجع به زنهای افغانی که در مشهد هستند و بطوریکه دستور داده شده باید مراقبت شود که چادر و لباس خود را بپوشند اگر تخلف از مقررات نمودند جواز اقامت آنها را منسوخ و از ایران خارج نمایند .

رئیس الوزراء

حجاب

اسنادی که در این شماره معرفی می‌شوند مربوط به برخوردهای حکومتی با مخالفان کشف حجاب اجباری در دو ایالت خراسان و زنجان است. در نامه نخست فتح‌الله پاکروان استاندار خراسان به محمود جم، نخست‌وزیر، گزارشی از «وضعیت مخالفان کشف حجاب و دستور برخورد با آنان در سبزوار» را داده است.

در نامه دوم نیز منظم حکومت خمسه در گزارش به ریاست وزرا از همزمانی دهه محرم و بحران کشف حجاب اظهار نگرانی می‌کند و از مرکز، تقاضای نیروی بیشتری برای سرکوب مخالفان می‌کند.

(۱)

[دستگیری مخالفان کشف حجاب در سبزوار]

شیروخورشید

کابینه ریاست وزراء

استخراج تلگراف رمز ایالت خراسان نمره ۶۲ ۱۴/۱۱/۱ [۱۳]

جناب آقای رئیس‌الوزراء حکومت سبزوار با ارسال سواد راپورت نظمیه آنجا اطلاع داده است شیخ محمود، پیشنماز مسجد جامع اظهاراتی بر ضد رفع حجاب نموده و همچنین خانم شریعتی برادرزاده مشارالیه که مدیره مدرسه است مخالف رفع حجاب بوده است تلگرافاً بحکومت سبزوار فوراً آخوند مزبور را جلب و تعقیب نموده و عنداللزوم شبانه بیک منطقه دیگر تبعید نمایند همچنین خانم شریعتی را در صورتیکه اظهاراتی برخلاف تجدد نسوان نماید از مدرسه خارج و جلوگیری نمایند به نظمیه شهر نیز دستور داده شد به نظمیه سبزوار دستور لازم صادر نمایند.

۱۴/۱۰/۳۰

نمره ۳۰۱ [امضا:] پاکروان

[حاشیه:]

- ۱- بایالت خراسان جواب داده شود که اگر ایرادات صحیح باشند.
- ۲- بوزارت معارف دستور داده شد مدیر مدرسه را هم منفصل نمایند.
- ۳- بوزارت معارف نسبت به انفصال مدیره نوشته شود.

نمره ۶۲ ۱۴/۱۱/۱

(۲)

[عاشورا و کشف حجاب در زنجان]

شیروخورشید

کابینه ریاست وزراء

استخراج تلگراف رمز زنجان نمره ۱۳۹ ۱۴/۱۲/۲۸ [۱۳]

ریاست وزراء بعد از ورود، دائماً مراقب موضوع نهضت بانوان هستم و تا حدی هم اجرا شده است ولی با استحضار کاملی که از روحیه علماء و اهالی زنجان دارید پیشرفت کامل آن مستلزم فشار است متأسفانه وسیله اجرا

در زنجان مئثر به شهرباني با عده نفرات خيلي كم است كه حتي خود رئيس شهرباني حضورا از عادات اهالي در دهه عاشورا خصوصا كه تصادف بموضوع رفع حجاب كه صريحا اظهار نگراني مي‌كند. در اين صورت مقتضي است امر فرمائيد يك عده از پاسبانهاي شهرباني طهران يا يك عده بيست نفري سرباز با يك نفر صاحب‌منصب آزموده موقتا مامور زنجان و طبق تعليمات حكومت مراقب انتظامات باشند و بعد از دهه عاشورا مراجعت نمايند والا با اين ضعف شهرباني اتفاقات اخير اين دو سه ساله ممكن است نظاير پيدا كند و با الضروره مراتب را بعرض رسانيدم كه در آتیه مسئول نباشم.

منظم حكومت خمسه
نمره ۵۲۰۸، ۱۴/۱۲/۲۷

زنان عليه جريان جمهوري خواهي

فاطمه معزي

در جريان اضمحلال سلسله قاجاربه مسئله‌اي به نام جمهوري خواهي توسط رضاخان و حاميان او در ۱۳۰۲ مطرح شد. تظاهراتي در حمايت از جمهوري خواهي و مخالفت با آن به راه افتاد، تلگرافات بسياري روانه مجلس شوراي ملي دوره پنجم شد و موافقان و مخالفان اين طرح در مجلس بحث كردند. مخالفان طرح كه نگران قدرت گرفتن رضاخان بودند از طيفهاي مختلف تشكيل مي‌شدند از نمايندگان مجلس به رهبري سيدحسن مدرس تا زنان، علما، اصناف و ديگر اقشار جامعه. زنان كه بعد از انقلاب مشروطه حضور پررنگ تري در جامعه پيدا کرده بودند و بيش از بيش در خيابانها ديده مي‌شدند از مخالفان جمهوري خواهي بودند و در تظاهرات خود حضوري جدا داشتند. مخالفتها سرانجام نتيجه خود را داد و رضاخان در ۱۲ فروردين طي اعلاميه‌اي از جمهوريت انصراف داد و راه ديگري را براي قبضه قدرت پيدا كرد. در روزنامه خاطرات قهرمان ميرزا عين السلطنه گزارشهاي كاملي از اين تظاهرات با حضور زنان خاندان قاجار در فروردين ۱۳۰۳، درست در اوج درگيريهاي مجلس و مخالفان با رضاخان، ارائه شده است كه به بخشهاي از آن در اين شماره مي‌پردازيم:

خانمها امروز خانه حضرت والا بودند معلوم شد دو دختر حاج فخرالملک: خانم سالار عيال سالار اعتضاد، فخرالسلطنه عيال مديرالسلطنه يك ماه است متصل پروپاگاندا مي‌كنند. به هر نظامي رسیده‌اند گفتند مبادا وكيل باشي جمهوري شوي، مي‌گفتند نه جونم و اين جونم را خانم سالار مي‌گفت به خودمان هموار كرديم. به هر آژان رسيديم همين قسم. اما آنها مودبتر بودند جونم نمي‌گفتند. به تمام دكانها رفتيم. درب خانه وزير جنگ (رضاخان) روزي كه اجزاي وزارت خارجه مي‌رفتند همان جا داد زديم ما شاه مي‌خواهيم. يك نفر از آن كردهاي مكري به ما گفت بفرماييد و با دست طويله را نشان داد. فریاد زدیم هنوز جمهور نشده، هر وقت شد اطاعت. آن وقت داد زدیم دم خانه رئيس جمهور ما را به طويله دعوت مي‌كنند، هي هي.

عین‌السلطنه در بخشی دیگر از اعضای خانواده خود نام می‌برد که همگی در روز ۲ فروردین ۱۳۰۳ برای اعلام مخالفت با جمهوری به سوی مجلس راهپیمایی کردند:

... از پیاده‌روی ناصریه سمت راست و به قدر پنجاه نفر زن خارجی را هم از بین راه همراه نموده بودند. همه زنده باد شاه، زنده باد ولیعهد گویان، زنده باد اصناف، زنده باد علما و طلاب و تجارگویان. ما شاه لازم داریم، جمهوری خلاف دین و آئین است، می‌خواهند روی ما را باز کنند، ای اهل محلات، کسبه و تجار، ای علمای محترم پناه به شما می‌آوریم، دخیل شما می‌شویم، زنده باد قرآن، پست باد رئیس‌الوزراء، مرده باد تدین، زنده باد مدرس، زنده باد خالصی‌زاده، از دو سمت خیابان گاهی شدید گاهی آرام، تا رسیدند به عکس شاه که زیر آن عکس سردار سپه است. او را دعا کردند، قربان صدقه رفتند و به رئیس‌الوزراء ناسزا. و گفته بودند؛ مردم این که مثل پیرزن بیوه می‌ماند می‌خواهد به جای آن نازنین بنشیند.

با ورود رضا خان به میدان بهارستان وضعیتی دیگر پدید آمد به گزارش عین‌السلطنه در این هنگام از نزدیک شدن زنان به بهارستان جلوگیری کردند: "خانمهای ما پشت بام خانه مرحوم افخم‌الملک مجاور میدان بهارستان بودند و بقدر صد نفر زن جلوی کمیساریا و همانقدر جلوی عمارت معین‌السلطان. دیگر زن راه نداده بودند و مردم شهری به خانمها می‌گفتند نیاید ما برای مستوری شما اقدام می‌کنیم".
